



| | |
|---|---|
| ویژه نامه تقی ارانی | از آلمان و ایران ... از آلمان و ایران ... ب. محمودی - جلیلی |
| 1. تعداد خواب، بزرگ خواب، درنگها، بختها و ... 2. به کسی، آقای روشنی دکتر ارانی 3. خبر قبلی از دوره آذر، 8 مرداد، 1322 4. 5. | |
| بمناسبت شصت و چهارمین سال تاجوتنمودانه رفتش | |

از خاطرات زندانیان خبر قتل دکتر ارانی

در کردید هفت دیگر از خنده‌های بلند و شوخیهای مشغول‌کننده اثری نبود. زندانیان سیاسی کتاب و نوشت افزار قاچاق را زمین گذاشته به هیچک از مشغله‌های روزانه نمی پرداختند. سکوت مرگبار تمام کردیدها، همه جرمها را فرا گرفته بود.

سرهای پرشوریاتین و قلبهای پراز آتش معززون و گرفته بود. هیچکس نمی خواست از دیگری چیزی بیرون یا نگرانی بخورد. برای نزدیکترین رفقای خود به زبان بیاورد و یا اندیشه هيجان آمیز خود را تحقیق نمایانزیرا می ترسید که شایعه صحیح باشد.

حتی آن روز کسی به فکر حیاط و هوا خوری هم نیفتاده بود. در کردید هم قدم نمیزدند.

حتی سردار رشید کردستانی که عادتاً يك ساعت هم نمی توانست از بیرون آمدن غفلت بکند آن روز دیده نمی شد.

گریه نمی کردند ولی دلهای شکسته از کینه و حس انتقام ملو شده بود.

توی چشم همدیگر نگاه نمی نمودند که مبادا در آن راجع به خبری که شنیده بودند علامت و اشاره ای دیده، مأیوس بشوند. قلبها یکی بود، روانها فقط بایک حس اهل یکتریزه شده و بایک حرارت تهییج گردیده بودند.

همگی يك جور فکر می کردند، یکجور راه می رفتند، یکجور انتظار می کشیدند، بدیعتی همه را یکی کرده بود.

تا يك ساعت به ظهر هیچکس به فکر غذا و نظافت نبود زیرا بغض گلوها را گرفته فشار می داد.

بالاخره نزدیک ظهر مردی که روزهای دیگر صدای رعدا سای خنده اش تمام زندان را بلرزه درمی آورد در هشت، پشت نرده های آهنین در پدیدار شد. چشمانش را پائین دوخته جلومی آمد، عبای مشکی را به خود پیچیده توی

آن مجاهده شده بود.

دیگر مانند هرروز با قدمهای کوتاه و چایک راه نمی رفت. خیلی جدی ولی زیاده ازحد تصور محزون به نظر می آمد. این حالت به او وقار مخصوصی داده بود. موهای سرش مثل اینکه در عرض یکی دو ساعت خیلی سفیدتر شده بود.

دکتر از در وارد شد. چیزی نمی خواست. یک چند اشاره هم نکرد ولی ساکتین کریدر آنچه را که نمی خواستند باور کنند فهمیده، ناچار باور کردند. هیچکس جلونیامد. حتی خود دکتر به اطاق خود رفت و در راه با کسی حرف نزد. پس از یک دقیقه تفصیل قتل در تمام زندان منتشر گردید. دکتر ارانی را به اطاقی که چندی پیش مریض تیفوسی در آن منزل داشت برده بودند. دکتر که هیچ گونه وسایل مبارزه بامرض را همراه نداشت به زودی مریض شده از آنجا به مریضخانه زندان منتقل گردید. با وجود امراض اقوام و دوستانش اجازه نداده بودند برای او از خانه غذا و دواحتی میوه بیاورند. بعد درجهل درجه تب آمبول کسین تزریق نموده کارش را یکسره کرده بودند. یکساعت دیگر در تمام کریدرها مجالس سوگواری سری تشکیل شد. من مجلس سوگواری زندان خیلی دیده بودم ولی مجلس سوگواری دکتر ارانی به هیچیک از آنها شباهت نداشت. اینجا از زمین و آسمان و در دیوار انتقام میبایرد. چشما محزون و خشناک، کینه جو و گامی هم هراسان بود.

نعلتهای باحرارت آنان را تکان می داد، متاثر می نمود. همه می دانستند که او را از روی همدونفشه به قتل رسانیده، خواسته اند بدینوسیله آزادیخواهان ایران را بی رهبر و بی سربست بگذارند.

آزهر - سال اول شماره هشتم - هشتم خرداد ۱۳۲۲